

I like to play with my little sister. Our favorite game is "Animals at Home"

من خیلی دوست دارم با خواهر کوچکم بازی کنم، بازی مورد علاقه ما، "حیوانات در خانه" است.



MAHDIEH
BIBABAWY

Y

We build Lego houses
for our toy animals.

ما با لگو برای عروسکهایمان خانه
ساختیم.



But my little sister
always wants what I
have.

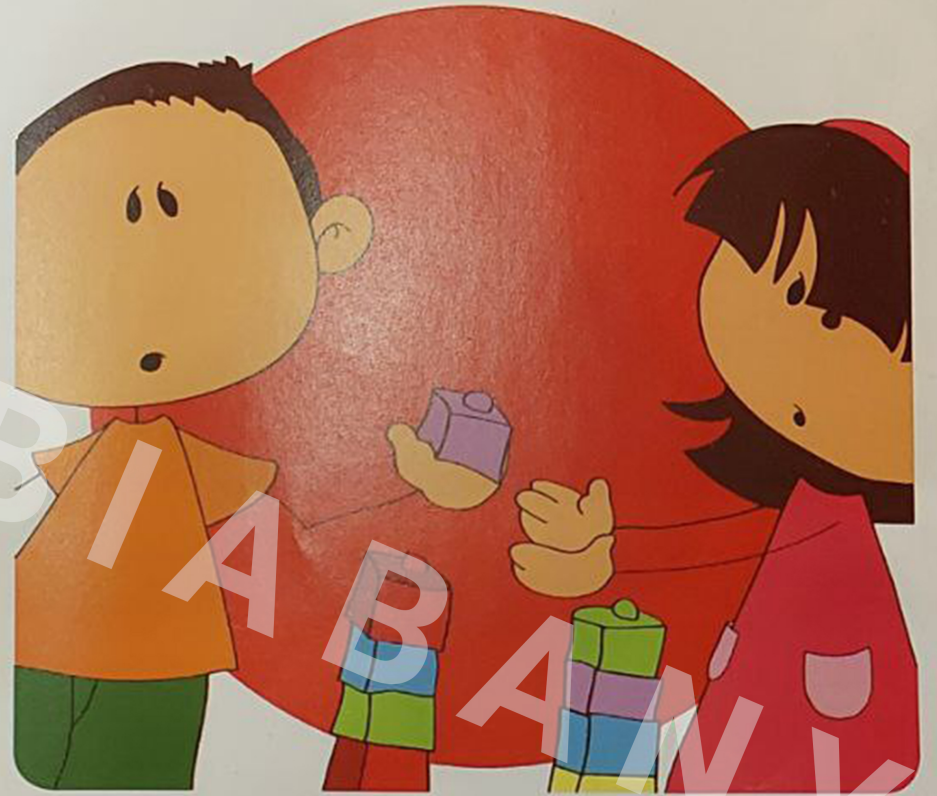
ولی خواهر کوچکم همیشه چیزی
که من می خواهم را، می خواهد.





When I reach to get a
piece of Lego, she
wants it too.

وقتی من یک قطعه از لگو را
بر می دارم، او هم همان را
می خواهد.



If I want to play with the toy puppy, she wants it as well.

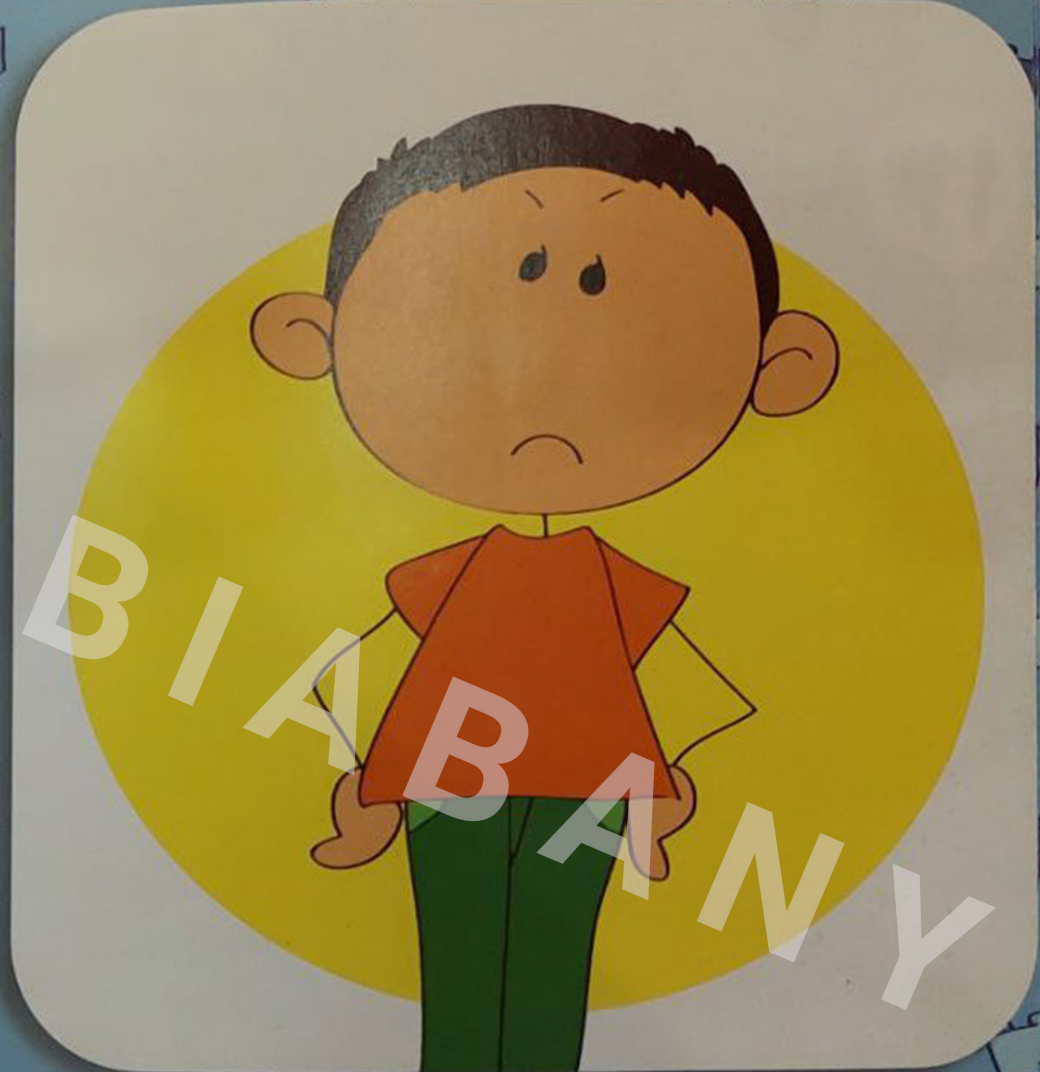
اگر من بخوام با سگم بازی کنم،
او هم دقیقا همان را می خواهد.



۱۵

That really bugs me.
What can we do to work
this out?

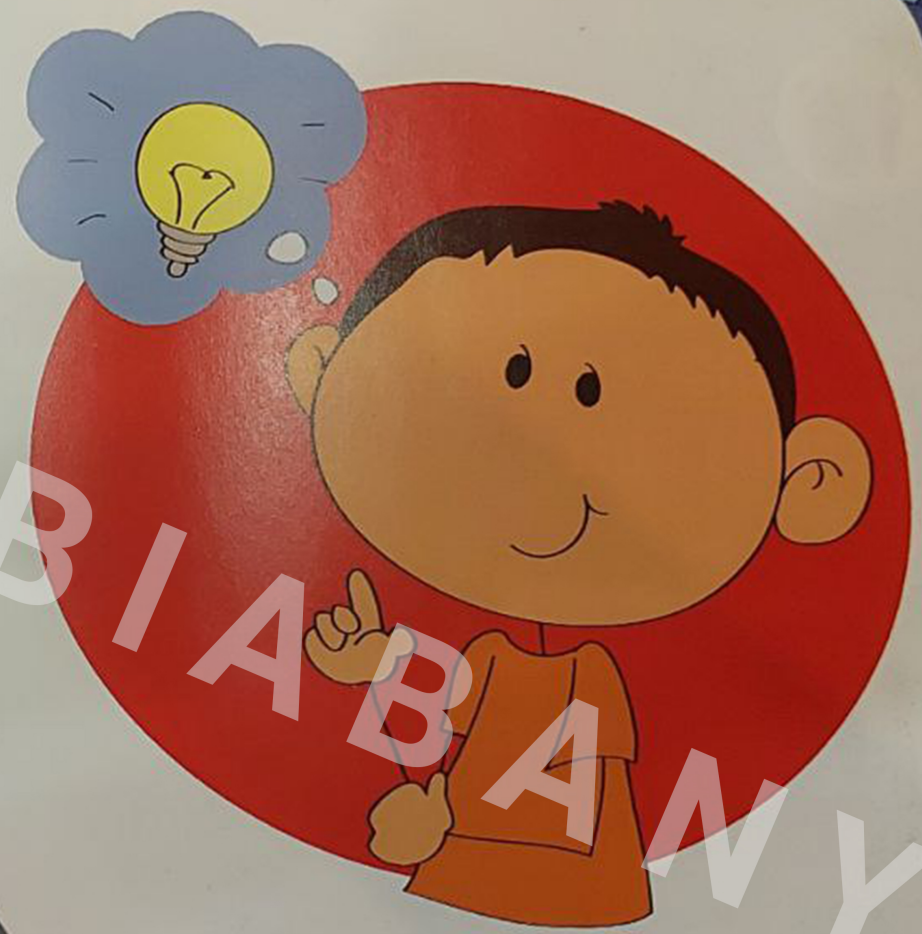
این موضوع واقعا من را آزار
می دهد، چه کاری می توانم انجام
دهم؟



۱۷

I know, I'll tell mom
that my sister is bug-
ging me. She'll take
care of it.

فهمیدم چه کاری کنم، به مادرم
می گویم خواهرم من را اذیت
می کند، پس مادرم باید مواظب او
باشد.



۱۹

"Hmm" says mom. "It's not fair to give me your problem. I've got lots of problems to take care of already. I think that you can come up with something to try."

مادرم گفت: خوب، این خوب نیست که به من بگویی چه مشکلی داری، چون من خودم آنقدر کار دارم که به مشکل تو نمی‌رسم، خودت باید سعی کنی مشکلت را حل کنی.





But I don't know how to work out this problem. I can't tell sister what to do; she never listens to me.

ولی من نمی دانم این مشکل را چگونه حل کنم، من نمی توانم به خواهرم چیزی بگویم، او اصلا به حرف من گوش نمی دهد.





Hmm. I could try pinching her. Oh no, I've tried that one before, and it didn't work out so well for me.

فهمیدم، می‌توانم او را نیشگون بگیرم، ولی نه، فکر خوبی نیست، قبلاً یک بار این کار را کردم و فایده نداشت.



۲۵

I could grab the toy I want. Nah, I think I've tried that too, and I didn't like how that turned out either.

می توانم عروسکی را که می خواهم، از او چنگ بزنم، نه فکر کنم این کار را هم قبلا انجام داده ام، اتفاقی که بعد از آن می افتد، را دوست ندارم.



۲۷

Maybe I could find her something that she likes, and exchange it with her.

شاید من بتوانم چیزی پیدا کنم که
خواهرم دوستش داشته باشد تا با او
عوض کنم.



۲۹

“ Sister, would you like to play with this monkey? He can climb this tree, look! ”

خواهر جونم، می خواهی با این
میمون بازی کنی، او می تواند از
این درخت بالا برود.



“Then I could go with
the puppy to visit your
zoo”.

بعد من با سگم می آیم و از باغ
وحش تو بازدید می کنم.





“Ok.” She says. “That sounds like fun!”

خواهرم می گوید: باشد، به نظر
جالب می آید.





Hey. That worked well.
I should try that more
often.

عالی است، این روش کار می کند،
همیشه همین کار را می کنم.

